

چند تکه ایر

www.ketab.ir
مسعود ریاعی

انتشارات عصر کنکشن

چاپ دوم - ۱۴۰۱

سروشانه	:	رباعی، مسعود
عنوان و نام پدیدآور	:	چند تکه ابر / مسعود رباعی.
مشخصات نشر	:	تهران: عصر کنکاش؛ ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	:	۱۷۸ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	عرفان - - مقاله ها و خطابه ها
موضوع	:	مقاله های فارسی - - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	BP ۲۸۶ ر/ ۹۶ ج
رده بندی دیوبی	:	۲۹۷/۸۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۴۷۴۹۲

اتصالات علمی، فرهنگی، آموزشی عصر کنکاش



چند تکه ابر

عنوان کتاب:

مسعود رباعی

مؤلف:

ساغر ابوالقاسمی

صفحه آرا:

عصر کنکاش

طرح جلد:

چاپ کلها

چاپخانه و صحافی:

سوم

نوبت چاپ:

۱۴۰۲

سال چاپ:

سخه ۱۰۰

شمارگان:

7 تومان

قیمت:

تهران- میدان انقلاب- ابتدای کارگر شمال- ابتدای فرصت شیرازی - هلاک ۱۹- ساختمان عصر کنکاش

نasan:

www.asrekankash.ir

آدرس الکترونیک:

asrekankash@gmail.com

پست الکترونیک:

۶۶۰۹۵۰۰۸-۲۲۹۰۱-۱۰-۶۶۹-۷۳۹۴

تلفن:

کلیه حقوق لین کتاب برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۵	اسم جلاله فتاح
۱۱	اولیاء خدا
۱۵	انسان عاصی
۲۱	بارداری از آب و روح
۴۹	فقط برای سالکان
۳۵	بیماری امروز
۴۱	پارسایی
۴۷	تفیه
۵۱	توبه
۵۳	حریت معنوی
۵۷	حکایت رنج کرامات
۶۳	دوستی
۶۹	سنگ زیرین
۷۳	سوره خدا
۷۷	سه عدم

فتوت	۸۱
فکر	۸۵
قربانی	۸۹
مرحلهٔ فرا آگاهی	۹۵
نور و نار	۹۹
نه این و نه آن	۱۰۵
وجهی دیگر از جهاد	۱۰۷
یک افسانهٔ قدیمی	۱۱۱
حدیث	۱۱۷
یک مشت خاک	۱۲۱
امام نفری و مایستر اکھارت	۱۲۵
به سالکان	۱۲۹
حتّی یُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِم	۱۳۳
حدیث "حقیقت"	۱۳۹
حکایت مرد راه	۱۴۷
عصر فرا ذهنی	۱۵۵
کو آن ثمر	۱۵۹
گور رستان	۱۶۱
مرغ قیدم	۱۶۵

من از اعماق انار آمده ام. اعماق انار جائیست بی شکل و بی جسم. اکنون دانه دانه ام. رسیده به کثرت. هر دانه ام را که بکاری اناری به بار می دهد شیرین تر از پیش، سرخ تر از قبل. در اعماق انار همه چیز بی تمایز است. یک هستی اختلاف. دانه ای است که مادر همه دانه هاست. و دانه نیست. کل است. دانه مادر، هیچ بعدی را بر نمی تابد. بُعدسازی است بی بُعد. و من مادرم ^{ام} می شناسم. ام الكتاب ام را دیده ام. چه از اعماق انار آمده ام. و شبیه بدرم. بدرم روح آگاهی است که خود را با ام الكتاب عجین کرده است. و من از هر دو به وفور در خود دارم. اعماق انار واحد است. همه چیز هست بی عرض و طول، بی زمان و بی مکان. هیچ چیز غایب نیست. "وَ مَا كَنَا غَائِبِينَ". همه حضور است بی تمایز. لازم نیست چیزی بخواهی، چون هست. لازم نیست به جایی بروی، چون رسیده ای. لازم نیست فکر کنی، چون مجھولی نیست. در اعماق انار، آرزو به کارت نمی آید. خواستن، بی مفهوم است. چه، سرشار است. پس هم دارای نارم، هم ضد نارم. "انارم". هر دو را یکجا در خود دارم. بهشت و جهنم را با خود به این

سو و آن سو می برم. تا چگونه نگاهم کنند و خریدار کدامین شوند. من در گمان خورنده خویش، پنهان گشته ام. هر گمانی که داشته باشد همان تشدید می شود. پس آنگاه که دانه هایم را به کام می برمی، گمان خیر داشته باش تا خیرم به عیان بیینی. چه من در گمان خورنده خویش پنهانم. جایگاه اصلی ام، بهشت است "فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَانٌ". ولی گهگاه از این جهنم نیز سر بر می آورم. اما اینجا متشابهم "وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ" و به چهره اصلی نیستم. با کثرت، در کثرتم و در وحدت، وحید. هر دانه سرخ ام، هزاران دانه می زاید و در فصل عروج به اصل باز می گردد و باز میگرداند. و این سنتی است از لی که از پدرم و مادرم به ارث برده ام . من خورده می شوم و چون خورده شوم، هر بار لطیف تراپیش، از وجود خورنده ام سر بر می آورم. و با "کلمه" این سو و آن سویش می کشانم تا آخرالامر به باغ خدا وارد آید. همواره بر باد سوارم. آشپز مقربان درگاهم. به "اربع" غذای همه را می رسانم. و دانه ها را یکی می کارم. بهشت، بی انار جلوه ای ندارد. بی رنگ و بی بوست. اصلاً بهشت نیست. انار پر از دانه است اما یکی است. پر از کثرت است اما واحد است. جز این نمی تواند باشد. او هم یک است هم همه. انار است، انار... من از اعماق انار آمده ام تا تو را نیز به اعماق برم. جایی که این هست، نیست. و آن نیست، هست. به چشمۀ خودت... انار را تنها بخور، آن را با کسی شریک مشو. که پیامبر(ص) چنین سنت داشت. از میان تمامی میوه ها و غذاها فقط انار را تنها میخورد و با کسی "شریک" نمی شد! چه

خوب می دانست که آن، چه هست و از کجاست و به کجاست! با انار
دوست باش تا "نارت" را فرو نشاند و "نورت" را بیفروزد. قدر انار را
بدان که همیشه در دسترس نیست. فصل آن تنها هنگامه خزان است.
گاو رفقن... به گاو رفقن، انار مرکب خوبی است این زداینده اضافات.
می گیرد و نرم می برد. نرم نرم. فرد فرد. انار میوه موحدان است. جمع
الجمع.

م در